



وضعیت‌شناسی نیازسنجی‌های پژوهشی در حوزه دین

محمد جواد حسینی^۱

نیازسنجی هر دانش به نیازها و اولویت‌های موجود و مغفول‌مانده در هر دانش می‌پردازد. به عبارت دیگر، نیازسنجی پژوهشی «فرایند شناسایی نیازهای پژوهشی بالقوه و تعیین اولویت در بین پروژه‌های مختلف تحقیقاتی» است. به‌طور منطقی، نیازسنجی کاری است که پس از ممیزی یک دانش صورت می‌گیرد. در ممیزی به کارهای انجام‌شده در یک دانش پرداخته می‌شود و با روشن‌شدن بخش‌های کارشده، نقاط خالی و یا ضعیف آن مشخص می‌گردد. هر دو پروژه توسط متخصصان و صاحب‌نظران درون‌دانشی انجام می‌گیرد و کسانی که در دانش متمرکز نیستند نمی‌توانند ممیزی و نیازسنجی آن علم را به ثمر برسانند؛ لذا هر دانشی به ممیزی و نیازسنج اختصاصی و بومی خود نیاز داد. حوزه علوم اسلامی و انسانی نیز همین‌گونه است. در این نوشتار، تلاش می‌کنیم تا نگاهی به این موضوع داشته باشیم.

الف) نیازسنجی در حوزه دین

حوزه‌های علمیه به‌عنوان متولیان اصلی علوم دینی، برای دستیابی به جایگاه مطلوب علمی و همچنین پاسخگویی به نیازهای جدید جوامع اسلامی و مقابله با حجم‌های بیرونی، ناگزیرند تا با شناسایی نیازهای تازه، خود را روزآمد کنند. از این‌رو موضوع نیازسنجی از نیمه دوم دهه هشتاد در حوزه علمیه مطرح شد. کارگروهی برای ساماندهی این بحث در بخش پژوهشی حوزه شکل گرفت و پروژه‌های مختلف نیازسنجی به مراکز، انجمن‌ها و گروه‌های علمی متخصص و اسپاری شد. البته هنوز هم حوزه با شرایط مطلوب فاصله دارد و شاید مهم‌ترین دلیل آن، تناسب‌نداشتن تحقیقات و حرکت مراکز پژوهش دینی با واقعیت‌های میدانی است. به هر حال تلاش‌ها برای کاستن از این فاصله به اجرای نیازسنجی دانش‌ها منجر شد که عناوین آنها به شرح زیر است:

۱. سردبیر نشریه. (m.javadhasani@yahoo.com)

۱. اولویت‌های پژوهشی دانش فقه
۲. اولویت‌های پژوهشی دانش اصول فقه
۳. اولویت‌های پژوهشی اقتصاد اسلامی
۴. اولویت‌های پژوهشی تفسیر و علوم قرآن
۵. اولویت‌های پژوهشی علوم و معارف حدیث
۶. اولویت‌های پژوهشی ادبیات داستانی در حوزه دین
۷. اولویت‌های پژوهشی مناسبات دین و روان‌شناسی
۸. اولویت‌های پژوهشی نظام تعلیم و تربیت حوزه علمیه
۹. اولویت‌های پژوهشی فقه سیاسی

هزاران موضوع، زیرمجموعه عناوین بالا قرار دارند که در قالب کتاب و سامانه «اولویت‌های پژوهشی معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه» در اختیار عموم قرار گرفته است. برای نمونه تنها در دانش «علوم و معارف حدیث» نزدیک به ۳۰۰۰ عنوان پژوهشی پیشنهاد شده است. بسیاری از عناوین در حکم سرنخ هستند که دنبال کردن آنها می‌تواند به تولید عناوین بیشتر و جزئی‌تر بینجامد. بر این اساس فعالیت نیازسنجی در حوزه، دریچه‌ای را به دنیایی از موضوعات باز کرده که برای سالیانی موضوعات پژوهشی مراکز علمی، دانش‌پژوهان و پژوهشگران را تأمین می‌کند.

موضوعات دینی منحصر در حوزه‌های علمیه نبوده و مراکز دانشگاهی نیز رشته‌هایی را متناسب با این موضوعات ایجاد کرده که گاهی اقتضات پژوهشی مشترکی با حوزه‌های علمیه دارند. از این رو نیازسنجی موضوعات دینی می‌تواند به فعالان این مراکز نیز سود رسانده و برای پیشبرد اهداف و تقویت دانش، از ایشان نیز بهره گیرد.

(ب) اهداف و فواید

در تدوین نیازسنجی‌ها آثار فراوانی مدّ نظر است. در ادامه برخی از مهم‌ترین اهداف بیان می‌شود:

۱. مدیریت آینده دانش

دانش‌های گوناگون همانند موجودات زنده در حال رشد و تکامل هستند. شاید اگر آنها را به گیاه تشبیه کنیم، به واقعیت نزدیک‌تر باشد؛ رشد و حرکتی آرام که منجر به رویش شاخه‌ها و برگ‌ها می‌شود. نیازسنجی می‌تواند رشد نابه‌نجار قسمتی از این درخت را کنترل و تناسب بخش‌های آن را مدیریت کند. گاه سنگین شدن قسمتی از یک گیاه، تنه اصلی آن را به‌سویی خم می‌کند و منجر

به شکستن آن خواهد شد. سازمان موضوعات ارائه‌شده در نیازسنجی‌ها باید بر این هدف تمرکز داشته باشد که بخش‌های کمتر کارشده، متناسب با نیاز، مورد توجه قرار گیرند و نقشه راه آینده آن دانش را ترسیم کند تا بتوان وضعیت موجود را به وضعیت مطلوب تبدیل نمود.

۲. رساندن دانش به مرزهای خود

دانشی می‌تواند نوآوری و بویایی داشته باشد و نیازهای روز را پاسخ دهد که در مرزهای خود قرار گیرد. در چنین شرایطی هر پدیده نویی را با بهره‌گیری از یافته‌های پیشین می‌توان تحلیل کرد و پرسش‌ها را پاسخ داد. سوگ‌مندانه در بسیاری از علوم انسانی و اسلامی، عقب‌افتادگی دانش و یا پردازش‌های آن از پدیده‌های نوین دیده می‌شود. مقایسه این علوم با رشته‌های فنی می‌تواند دوری از مرز دانش را بهتر نشان دهد. برای نمونه زمانی که دانش حدیث در مباحث اعتبارسنجی منابع خود هنوز موضوعات کار نشده و گره‌های باز نشده دارد، نخواهد توانست بر اساس محتوای کتاب‌های حدیثی، پاسخی مستند و قوی به نیاز امروز مخاطبان بدهد؛ بنابراین نیازسنجی می‌تواند موضوعات مورد نیاز و اولویت‌دار را در اختیار پژوهشگران قرار دهد تا دانش را به مرز خود برسانند.

۳. جلوگیری از تکرار و موازی کاری

موازی کاری یا مشابه کاری در شناخت و تولید علم سبب اتلاف عمر، سرمایه و فرصت‌هاست. معمولاً دانش‌پژوهان و پژوهشگران، بهترین و بانشاطترین سال‌های عمر علمی خود را برای تدوین پایان‌نامه و تحقیقات پژوهشی صرف می‌کنند. حال اگر این پژوهش‌ها تکرار کارهای گذشته باشد، چیزی جز خسران به دنبال ندارد. همچنین باید در نظر گرفت که یک نیروی پژوهشی توانمند در بازه سال‌هایی که به فعالیت علمی اختصاص می‌دهد، چند پژوهش عمیق را می‌تواند به سامان برساند و چه مقدار از سرمایه مادی و معنوی اشخاص و مراکز خصوصی و دولتی در این مسیر هزینه می‌شود؟ روشن است که پژوهش‌های تکراری، هزینه‌های اسراف‌کارانه‌ای را بر جامعه و افراد تحمیل می‌کند.

۴. یاری پژوهشگران و دانش‌پژوهان

بسیاری از دانش‌پژوهان و پژوهشگران علوم اسلامی به‌ویژه کسانی که در آغاز مسیر پژوهش‌اند در مسأله‌یابی و تصویرسازی از موضوعات دچار مشکل می‌شوند. در اختیار بودن گنجینه‌ای از موضوعات تازه و دارای اولویت، راهنمای خوبی برای این قبیل از افراد خواهد بود.

۵. کمک به کمیته‌های بررسی موضوع

در مراکز علمی دانشگاهی و حوزوی و نیز مراکز علمی مستقل، بررسی موضوعات پایان‌نامه‌ها و یا پروژه‌های پژوهشی در کمیته‌ها و کمیسیون‌هایی متشکل از چند استاد و کارشناس انجام می‌شود. گاه فرایند تصویب موضوعات به علت عدم اطمینان از نوآوری طرح پیشنهادی، طولانی و یا با خطا همراه است. نگاهی به موضوعات مصوب تکراری و کاملاً مشابه در مراکز علمی مختلف مؤید این ادعاست که گاهی کمیته‌های یادشده نتوانسته‌اند دانش پژوهان خویش را به سمتی درست هدایت کنند. مثلاً در کمیته‌های حوزوی به دلیل عدم حضور دانش‌پژوه یا پژوهشگر در جلسه تصویب موضوع، احراز نوآوری و بررسی پیشینه و ... به اعضای کمیته واگذار شده است. درحالی‌که اگر تشخیص اعضای این گروه درست نباشد، هیچ امکان دفاعی برای پژوهشگر وجود ندارد. با این اوصاف اگر موضوعات ارائه‌شده در مطالعات ممیزی و نیازسنجی، ملاک عمل کمیته‌ها قرار گیرد، احراز پیشینه و بررسی نوآوری پژوهش‌های پیشنهادی ساده‌تر و نتیجه آن قابل دفاع خواهد بود.

کمک به راهنمایان و مشاوران پژوهشی؛ بسیاری از اساتید حوزوی و دانشگاهی برای مشاوره و راهنمایی در تحقیقات علمی مورد مراجعه دانش‌پژوهان هستند. بسیاری از اساتید این حجم از موضوعات جدید را در اختیار ندارند و گاه با توان دانش‌پژوه همخوانی ندارد؛ لذا ارجاع مراجعان به نیازسنجی‌ها و انتخاب یک موضوع توسط دانش‌پژوه می‌تواند فضا و زمان بیشتری برای ارتقای کیفی آن موضوع ایجاد نماید. استادان نیز می‌توانند پیشینه موضوع و ترتب آن را در نیازسنجی مشاهده کنند که کار مشاوره را پخته‌تر خواهد نمود. برای مثال اگر موضوعی انتخاب‌شده که مترتب بر موضوع دیگر است یا اولویت آن بیشتر است، مشاور می‌تواند دانش‌پژوه را به سمت آن موضوع هدایت کند تا ثمرات کار بیشتر شود.

۶. شناخت نیازها و اولویت‌های جوامع علمی و اجتماعی

دسته‌بندی تحقیقات به «بنیادین» و «توسعه‌ای» و «کاربردی» در فضای پژوهشی، امری پذیرفته‌شده است. بسیاری از نیازهای پژوهشی در مراکز علمی و دانش‌های مختلف به‌ویژه علوم انسانی و اسلامی همچنان در حوزه تحقیقات بنیادین قرار می‌گیرند. طبیعی است که تا مسائل بنیادین که حکم پشتیبان را دارند، حل نشود، انجام تحقیقات توسعه‌ای و کاربردی ممکن نخواهد بود و یا گرفتار اختلاف مبانی خواهد شد؛ بنابراین نیازسنجی موضوعات بنیادین و یا توسعه‌ای و کاربردی می‌تواند راهنمایی برای جوامع علمی باشد. از سوی دیگر بسیاری از نیازهای مردم جنبه کاربردی دارد که سوگمندان هنوز در حوزه علوم اسلامی، توجه جدی به آن نشده و راه برای

نظریه‌پردازی یک‌طرفه غیر مسلمانان کاملاً باز مانده است. از این رو ضروری است که نیازهای واقعی و اولویت‌دار جوامع در دسته‌های «توسعه‌ای» و «کاربردی» مورد توجه بیشتری قرار گیرد. همچنین شایسته است که مراکز علمی، دانش‌پژوهان خود را به سمت اجرای پروژه‌های «توسعه‌ای» و «کاربردی» ترغیب کنند.

ج) مشکلات اساسی

پروژه‌های نیازسنجی مشتمل بر دو هدف هستند. یکی هدف درونی که موفقیت طرح در اجرای درست آن است و دیگری موفقیت بیرونی در به‌روزرسانی و اجرا. آنچه پس از انجام پروژه‌های نسبتاً سنگین نیازسنجی مشاهده می‌شود، این است که بیشتر آنها با وجود دستیابی به هدف درون پروژه‌ای، به اهداف بیرونی خود دست نمی‌یابند. ماهیت نیازسنجی به گونه‌ای است که باید پس از مدتی به‌روزرسانی شود، موضوعات کار شده حذف و نیازهای جدید به آن افزوده گردد. معمولاً نهادها زیر بار این کار نمی‌رود و بیشتر نیازسنجی‌ها در همان ویرایش نخست باقی می‌مانند. همچنین هیچ ضمانت اجرایی برای عمل به یافته‌های نیازسنجی وجود ندارد. برخی از عواملی که موجب به‌وجود آمدن این شرایط شده، عبارت است از:

۱. معرفی نشدن متولی

اگر متولی پروژه‌های نیازسنجی را در حوزه، معاونت پژوهش بدانیم، هنوز این متولی، خود و این پروژه را به حوزویان معرفی نکرده است. به‌ندرت می‌توان طلبه‌ای را یافت که برای گرفتن موضوع پایان‌نامه از کتاب‌های نیازسنجی کمک بگیرد. سوگمندان این قصور در معرفی، موجب شده تا بسیاری از استادان و دست‌اندرکاران اجرایی کمیته‌های بررسی موضوعات نیز از پروژه‌های نیازسنجی آگاهی لازم را نداشته باشند. هنوز روشن نیست که اگر کسی به نیازسنجی‌های پیشینی انتقاد و یا پیشنهادی داشته باشد به کجا می‌تواند مراجعه کند. این در حالی است که نتیجه نیازسنجی‌ها به‌صورت سخاوتمندانه در اختیار عموم قرار گرفته است. در واقع اتمام پروژه نیازسنجی، آغاز فرایندی جدید است که سوگمندان رها می‌شود و نتیجه آن عقیم‌ماندن اصل نیازسنجی است!

۲. نقص در روند اخذ موضوعات

یکی از مهم‌ترین اهداف نیازسنجی جلوگیری از کار تکراری است. ارائه موضوعات به پژوهشگران، تنها بخشی ابتدایی از کار، محسوب می‌شود. تا زمانی که روشن نگردد یک موضوع،

توسط فرد دیگری، کار شده و یا در کار حال است، نیازسنجی به هدف بیرونی خود دست نخواهد یافت. سرگردانی دانش‌پژوهان در انتخاب موضوعات، توزیع نامناسب تحقیقات در بخش‌های مختلف یک دانش و تصویب موضوعات تکراری و ضعیف برای برخی از پایان‌نامه‌ها، تنها برخی از پیامدهای وضعیتی موجود است. از این رو شایسته است که پس از نیازسنجی، مراحل دیگری طراحی شود تا موضوعات مأخوذه دانش‌پژوهان و پژوهشگران، در مسیر نیازهای واقعی قرار گیرد نه حدسیات و اطلاعات محدود شخصی؛ بنابراین ثبت موضوعات اخذشده ضرورتی برای بهره‌گیری بهتر از پروژه‌های نیازسنجی است.

۳. نداشتن امتیاز ویژه در انتخاب موضوع از نیازسنجی

کارشناسانی که موضوعات نیازسنجی را تهیه کرده‌اند، با بهره‌گیری از روش‌های مختلف و به‌دست آوردن اطلاعات نسبتاً جامع، پیشرفت دانش و تکمیل شدن قطعات جورچین آن را مورد توجه قرار داده‌اند. از این رو می‌توان تکمیل دانش و رشد آن را متوقف بر پابندی به نتایج این پروژه‌ها دانست. ارائه برخی امتیازات از سوی متولیان پروژه‌های نیازسنجی می‌تواند رغبتی در دانش‌پژوهان برای مراجعه به این دستاوردها ایجاد کند. تسهیل در تصویب موضوع، اولویت‌دادن به موضوعات برگرفته از نیازسنجی و معرفی پروژه برگرفته از موضوعات نیازسنجی به سازمان‌ها جهت حمایت، برخی از امتیازهایی است که می‌توان در نظر گرفت.

۴. ارتباط نداشتن کمیته‌های بررسی موضوع با متولیان نیازسنجی

برای تصویب موضوعات در مراکز آموزش عالی و مؤسسات تحقیقاتی، کمیته‌هایی از خبرگان هر دانش تشکیل می‌شود. موضوعات و طرح‌های پژوهشی، به این کمیته‌ها پیشنهاد شده و توسط اعضای آن بررسی می‌شود. تکراری بودن برخی موضوعات تصویب‌شده، رد شدن برخی از موضوعات به گمان بی‌نیازی از آن و تحقیقات جزیره‌ای و غیر منسجم، نتیجه آزموده این ساختار است. روشن است که نیازسنجی به‌عنوان نقشه راهی مطمئن می‌تواند کمیته‌ها را در رسیدن به اهداف و رفع نقایص یاری کند. سوگمندان این کمیته‌ها از حیث حقوقی، ارتباطی با متولیان نیازسنجی ندارند. ایجاد ارتباط سازمانی میان این دو مجموعه می‌تواند برخی از گره‌ها را بگشاید.

۵. تک‌نهادی بودن گروه‌های نیازسنجی

رشته‌های علوم اسلامی و انسانی، متولیان مختلفی مانند حوزه علمیه، دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی مستقل دارد. فارغ از اینکه این وضعیت به ویژه در علوم اسلامی، درست هست یا نه، تعدد

این مراکز، موجب شده تا اطلاع چندانی از کار یکدیگر نداشته باشند. مثلاً نیازسنجی‌هایی که در حوزه انجام می‌شود، در دانشگاه مورد توجه قرار نمی‌گیرد. عکس آن نیز صادق است. نتیجه اینکه باز هم شاهد پژوهش‌های تکراری هستیم. در کتابخانه مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث قم، بخش قابل توجهی از پایان‌نامه‌های مرتبط با حوزه قرآن و حدیث از مراکز مختلف علمی، گردآوری شده و می‌تواند شاهد خوبی برای اشکالات این عرصه باشد. بنابراین شایسته است که گروه‌های نیازسنجی، ترکیبی از حوزویان، دانشگاهیان و مؤسسات فعال در هر دانش باشد و خروجی آن به‌عنوان سند مرجع، مورد توجه همگان قرار گیرد و یا دست کم، ساختارها به‌گونه‌ای طراحی شود که مجموعه‌ها از کارهای یکدیگر مطلع شوند.

۶. بی‌توجهی به ترتب موضوعی

برخی از موضوعات، بر موضوعات دیگر مترتب‌اند و لازم است پیش از آن، تحقیق دیگری انجام شود؛ مثلاً موضوعات تحلیلی مترتب بر تحقیقات گونه‌شناسی است و پژوهش‌های گونه‌شناسی هم مترتب بر تحقیقات گزاره‌شناسی. همچنین تحقیقات کاربردی مترتب بر پژوهش‌های توسعه‌ای و آن هم مترتب بر تحقیقات بنیادین است. حال اگر کسی از کتاب نیازسنجی، موضوعی را برگزیند که هنوز تحقیقات پیشینی آن انجام نشده، از سویی کاری معیوب ارائه خواهد کرد و از سوی دیگر، چند موضوع پیشینی را - به قول معروف - می‌سوزاند. از این رو لازم است در گزینش موضوع از نیازسنجی به‌گونه‌ای رفتار شود که با انتخاب برخی موضوعات، موضوعات دیگر، غیر منطقی جلوه نکند و همچنان رغبت و توجیه علمی برای انجام دقیق آنها باقی باشد. زمانی که پژوهش‌ها بر اساس یک نقشه راه انجام نشوند، ترتب و استانداردهای دیگر پژوهشی قربانی خواهد شد. از این رو شایسته است که گروه‌های نیازسنجی، افزون بر شناخت و اولویت‌گذاری و تعیین قالب موضوعات، نقشه آن را هم تعیین کنند و یا این مأموریت، به گروه دیگری از صاحب‌نظران همسو با گروه نیازسنجی سپرده شود.

حلّ این اشکالات و نقایص به دست مدیران مراکز بالادستی مانند حوزه و وزارت علوم است و با وضعیت موجود، اتلاف وقت و بودجه در پروژه‌ها، کاملاً طبیعی است.

نشریه دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث آمادگی خود را برای مشاوره، زمینه‌سازی جهت ارتقا و اطلاع‌رسانی درباره یافته‌های حاصل از بررسی نیازسنجی‌های مرتبط اعلام می‌کند. همچنین انتشار تحقیقات، شناخت‌نامه‌ها، گزارش‌ها و نقدهای علمی درباره نیازسنجی‌های حوزه قرآن و حدیث و عرصه‌های مرتبط با آن را در قالب‌های مختلف اعم از مقاله و یادداشت و ... را جزو وظایف ذاتی خود می‌داند. امید است تلاش در این عرصه به رشد هرچه بیشتر دانش قرآن و حدیث بینجامد؛ ان شاء الله.